

" پرولتاریا چیزی جز زنجیرهایش برای از دست دادن ندارد؛ اما جهانی برای فتح دارد "



هم اکنون طبقه‌ی کارگر و زحمت‌کشان جامعه‌ی ایران همانند تمامی سی و چند سال حیات تبه‌کارانه‌ی رژیم اسلامی زیر سرنیزه‌ی استبداد و سرکوب تمام عیار سیاسی، فقر و فلاکت دم افزون و ویران‌کننده‌ی اقتصادی و معیشتی، ارتجاع فرهنگی و خرافه‌ی مذهبی و در یک کلام تحت انقیاد سرپنجه‌ی خونین رژیم جهل و سرمایه‌ی اسلامی به سر می‌برند. حکومت اسلامی خمینی و سیاست‌های اقتصادی غارت‌گرانه و نئولیبرالی دولت فعلی و دولت‌های "سازندگی" و "اصلاحات" هر کدام با شعاری و به سهم خود، جهنمی از فقر و گرسنگی و تورم، از بی‌کاری و اعتیاد و فحشاء، از ناامنی و بی‌آیندگی و یأس را برای اکثریت مردم ایران به‌ویژه کارگران و زحمت‌کشان به بار آورده است. از سویی ماهیت واقعی رژیم اسلامی و مکانیزم برساننده و باز تولید‌کننده‌ی آن یعنی سرکوب مطلق سیاسی از پس جنبش سال ۸۸ بار دیگر خود را به رخ کشید و توهمات و خوش‌خیالی‌های اصلاح‌طلبانه و "مدنی" را از هر رنگ و هر پرچمی دود کرد و به هوا برد. در دولت سرمایه‌داری حاکم بر ایران هر گونه اعتراض و هر شکلی از سازمان‌دهی طبقاتی و سیاسی به شدت سرکوب می‌شود. هر روز و هر لحظه فعالین جنبش کارگری و فعالین جنبش کمونیستی به جرم تلاش برای سازمان‌دهی و ایجاد تشکلهای صنفی، طبقاتی و دستگیر شده و تحت فشار و سرکوب قرار می‌گیرند. با این وجود مبارزه ادامه دارد و جنبش کارگری و جنبش کمونیستی لحظه‌ای از ضرورت تبلیغ، ترویج و سازمان‌دهی برای تشدید مبارزه طبقاتی و برای احقاق حقوق سیاسی و صنفی‌اش کوتاه نمی‌آیند. این قاعده در مورد فعالین جنبش زنان، جنبش دانشجویی و ملل تحت ستم نیز صادق است. تمام این موارد بار دیگر ضرورت یک انقلاب ضد استبدادی، ضد ارتجاعی، ضد سرمایه و ضد امپریالیستی و پیش‌شرط‌های مادی و ذهنی تدارک و انجام آن را بیش از هر زمان دیگر پیش پای جامعه ایران قرار داده است. کمونیست‌های انقلابی ایران ضمن پیشتیبانی همه جانبه از تمامی جنبش‌های اعتراضی و بر حق توده‌ای و از جمله مبارزات هر روزه و مداوم کارگران، همواره ارتقای این جنبش‌ها به سطح یک انقلاب تمام عیار را در دستور کار خود قرار می‌دهند.

همچنین چندی است که سایه‌ی شوم یک جنگ احتمالی و روریارویی نظامی میان رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و امپریالیسم مرتجع آمریکا و متحدین‌اش و به‌ویژه اسرائیل بر حیات مردم ایران و تمام منطقه سنگینی می‌کند. صدای مهب‌ها و موشک‌ها نزدیک است. متحدین نانوشتی دیروز به جان یکدیگر افتاده‌اند. این جنگ احتمالی به یقین جنگی ضد اکثریت توده‌های مردم و ضد پرولتاریا و زحمت‌کشان است و از این زاویه مخالفت با هرگونه آتش افروزی و جنگ طلبی امپریالیست‌ها و مرتجعین در هر لباس و با هر شعاری و وظیفه‌ی پرولتاریای آگاه و کمونیست‌های انقلابی است. اما کمونیست‌های انقلابی و پرولتاریا و توده‌های پیشرو مردم در مرزبندی با جنگ طلبی‌های امپریالیستی و ارتجاعی به ورطه‌ی ایده‌های صلح‌طلبانه و مسالمت‌آمیز و شوینیستی و ناسیونالیستی نمی‌افتند. کماکان راه انقلاب که یگانه راه برای ایجاد دگرگونی‌های بنیادین و واقعی در مسیر راهی توده‌های پرولتاریا و زحمتکشان و کل جامعه است با اتکا به قهر انقلابی و جنگ طبقاتی ممکن است. از این منظر افق برای انقلابیون کمونیست علاوه بر مخالفت و ضدیت با هر گونه دخالتگری سیاسی، نظامی و اقتصادی امپریالیست‌ها و متحدین‌شان همانا فراخواندن مدام توده‌های مردم و طبقه‌ی کارگر به سرنگونی قهرآمیز بورژوازی حاکم یعنی رژیم جمهوری اسلامی است.

نگاهی به پیرامون خود بیاندازیم. به جهان عرب. به طوفان نوحاسته‌ی خلق‌های تحت ستم و استثمار از مصر و تونس تا سوریه و لیبی. در فقدان یک آلترناتیو انقلابی واقعی که بتواند خشم توده‌ها را تا سرانجام تاریخی آن یعنی سرنگونی رژیم‌های مرتجع وابسته به امپریالیسم پیش برده و افق ایجاد یک تغییر بنیادین و ساختن یک جامعه و مناسبات نوین را پیش پای مردم بگذارد، بدیل‌های ارتجاع - امپریالیستی از اسلام‌گرایان مرتجع سلفی و اخوانی تا لیبرال‌ها و نئولیبرال‌های وابسته و برخی از بقایای رژیم‌های سرنگون شده سابق با هزار و یک ابزار پیدا و پنهان امکان تعمیق قیام‌ها و تبدیل آن به خیز و اعتلای انقلابی را سلب کردند و بر بستر عقیم کردن جنبش مردم، دم و دستگاه‌های تقلبی و بورژوا کمپرادوری‌شان را بر پا کردند. واقعیت سخت مبارزه‌ی طبقاتی در سه سال اخیر بار دیگر نشان داد که در نبود یک رهبری و یک تشکیلات منسجم و مصمم انقلابی و کمونیستی و یک دید و افق انقلابی و کمونیستی نوین، توده‌های ترین جنبش‌ها و جسورترین قیام‌ها هم سر بریده شده و ناکام می‌مانند. بر کمونیست‌های انقلابی و پرولتاریا و توده‌های آگاه و پیشرو این کشورها است تا با درکی اترناسیونالیستی از ضرورت انقلاب و کسب قدرت سیاسی و با اتکا به درکی نوین و همه‌جانبه از علم کمونیسم بر ضرورت تداوم جنبش‌ها و قیام‌ها تا گسست از دنیای کهن ستم و جهل و سرمایه تأکید کرده و از ضرورت کمونیسم و انقلاب سخن بگویند و حول آن توده‌های به خروش آمده را سازماندهی کنند.

و این همه یعنی فعلیت و ضرورت افق کمونیستی و پیش‌شرط تاریخی آن یعنی انقلاب سوسیالیستی! چیزی که بشریت بیش از هر زمان دیگری برای رهایی از تمام مظاهر فلاکت و تباهی جامعه‌ی طبقاتی، برای ساختن یک دنیای نوین در شأن و شایسته‌ی زیست انسانی بدان نیاز دارد. در زمانی سیه‌روزی و فلاکت مداوم اکثریت ساکنین کره‌ی زمین، در کشاکش خیزش‌های عظیم توده‌ای در سطح منطقه و جهان، در سایه‌ی مخوف‌ترین و ضد مردمی‌ترین جنگ‌ها و رقابت‌های امپریالیستی جای خالی کمونیسم و انقلاب بیش از همیشه احساس می‌شود. کمونیسمی نوین، کمونیسمی به واقع علمی و غیر دکماتیک که بر پایه‌ی یک جمع‌بندی انتقادی تمام عیار از تجارب تاریخی جنبش‌ها، دولت‌ها و انقلاب‌های سوسیالیستی پیشین سودای تحقق کسب قدرت سیاسی و فتح جهان را زندگی می‌کند. طرح و تبلیغ این نوع از کمونیسم و ترسیم این افق مبارزاتی، ترویج هر چه وسیع‌تر آن و تلاش برای سازمان‌دهی توده‌های مردم حول آن وظیفه‌ی اصلی تمام پیشروان و انقلابیون خصوصاً کمونیست‌ها است. شورای دانش‌جویان و جوانان چپ ایران با درک این ضرورت‌ها و با آگاهی از نقش حیاتی و پیشرو و مترقی دانشجویان و جوانان در دامن زدن به مبارزه‌ی انقلابی و توده‌ای در سطح جامعه و در شرایط کنونی جنبش و مبارزه در ایران و منطقه و جهان تشکیل شده است تا به سهم خود نقشی در اعتلای این مبارزه و این جنبش ایفا کند.

یک می به خیابان خواهیم آمد تا شبح کمونیسم را به خیابان بکشانیم.

یک می به خیابان خواهیم آمد تا سرود اترناسیونال، سرود جهانی پرولتاریا و زحمت‌کشان را طنین انداز کنیم.

یک می به خیابان خواهیم آمد تا در اتحاد با پرولتاریای بین‌المللی، صف طبقه‌ی جهانی‌مان را دوباره در برابر حاکمان بیاراییم.

زنده باد اول ماه می!

زنده باد انقلاب!

زنده باد کمونیسم!

شورای دانشجویان و جوانان چپ ایران
اردیبهشت ۱۳۹۱ - می ۲۰۱۲